

فصل اول

پیشاتاریخ

شگفتی جادوی تصویر

هنر

این کلمه از واژه‌ی «سونر» یا «سونره» در زبان سانسکریت اخذ شده و به معنای «یک واحد نیک» می‌باشد، که در دوره‌ی هخامنشی وارد فرهنگ ایرانی و زبان اوستا گردید. در اواسط دوره‌ی اشکانی با ابداع خط پهلوی اشکانی که از الفبای آرامی گرفته شده، کلمه سونر به هنر تبدیل و در طی دوران به صورت واژه‌ی هنر بدل گردید.

هنر فرایندی احساسی که در فرهنگ ایران باستان به معنای انسان فرزانه و کامل است، احساس، بازتاب تأثیرات روح در برخورد با عوامل محیطی که در نهاد انسان ایجاد می‌گردد. بامد نظر قراردادن این منشأ تعریف هنر چنین خواهد بود، هنر تراوش شده از روح آدمی در قالبی محسوس و مادی یا هنر تجلی روح کمال طلب و جمال‌جوی آدمی در قالبی مادی می‌باشد. بر طبق تعریف فوق، هنر دارای یک منشأ معنوی و فراخاکی است و الزاماً برای درک آن باید قالبی مادی داشته باشد.

هنر پیشاتاریخی

مبنای آغاز تاریخ پیدایش خط و نوشتار بوده، که مربوط به ۳۵۰۰ سال ق.م است، در واقع پیش از تاریخ دوره و زمانی است قبل از ابداع خط و نوشتار که آثار موجود بیانگر تفکر و اندیشه‌ی سازندگان آن می‌باشد. به دلیل طولانی بودن عمر زمین که بالغ بر چهار میلیارد سال است مورخین آن را به ادواری تقسیم نموده‌اند؛

دوره‌های پیشاتاریخی

۱- پارینه‌سنگی یا دیرینه‌سنگی

۲- میان‌سنگی

۳- نوسنگی

۴- عصر فلزات

علت استفاده از واژه‌ی سنگ در سه دوره اول به این خاطر است، که انسان این دوره‌ها برای ساختن وسایل و ابزار مورد نیاز خود از سنگ استفاده می‌نمود، به همین دلیل این اعصار به «عصر حجر» معروف است. عصر فلزات نیز به سه دوره‌ی کوچک تر تقسیم می‌شود؛

الف) عصر مس

ب) عصر مفرغ (برنز)

ج) عصر آهن

تکته: عصر مفرغ به جهت جامعه‌شناسی دارای اهمیت بسیاری می‌باشد، چون آغاز اولین تمدن‌ها در این عصر بوده است.

۱- دوره‌ی پارینه سنگی

نخستین ردپای کشف شده از انسان بر کره‌ی زمین حدود ۳۶۰۰۰۰۰ سال قبل قدمت داشته و در آفریقا یافت شده است و نخستین فسیل انسانی کشف شده قدمتی حدود ۳۰۰۰۰۰۰ سال قبل دارد و مربوط به زنی با قدم 120 cm که در تانزانیا آفریقا یافت شده که باستان شناسان نام «Loucy» را بر آن نهادند. نخستین ادوات و ابزار آلات ساخته‌ی دست انسان با قدمتی حدود ۶۰۰۰۰۰ سال قبل ایجاد گردیده‌اند. با توجه به مطالب ذکر شده‌ی فوق دوره‌ی پارینه سنگی از لحاظ زمانی تقریباً مابین ۳۵۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال قبل بوده‌است و شامل دوره‌های زیر می‌باشد؛

الف- دوره‌ی پارینه سنگی قدیم

ب- دوره‌ی پارینه سنگی میانه

ج- دوره‌ی پارینه سنگی جدید

دوره‌ی پارینه سنگی قدیم

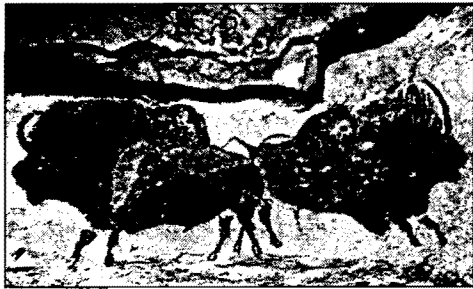
گنجایش مغز انسان در این دوره بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ cc بوده است. انسان در این دوره برای تهیه‌ی غذا تلاش می‌کرد و به این واقعیت دست یافت که برای تهیه‌ی غذا نیاز به ابزار دارد در نتیجه نخستین فون ابزارسازی توسط این انسان پایه‌ریزی گردید، این ابزار آلات از جنس سنگ بوده‌اند. این نخستین تکنیک ابزارسازی ابداع شده توسط انسان بوده است. به دلیل اقدام به ابزارسازی توسط این نوع انسان در تقسیم بندی‌های نژادی به انسان تیره‌ی «ماهر» معروف است. تکنیک‌های ابزارسازی انسان ماهر، تکنیک «الدوان(یک طرف نوک تیز)» و «آشولین(دوطرف نوک تیز)» می‌باشند.

دوره‌ی پارینه سنگی میانه

گنجایش مغز انسان این دوره بین ۷۰۰ cc تا ۱۰۰۰ cc بوده که به انسان تیره‌ی «ناندرتال» معروف است، در مورد شرایط زندگی ناندرتال‌ها مطالب زیادی نوشته شده که اثبات شده نیست اما آن چه که محققان ابداع تکنیک ابزارسازی «موسترین (چاقویی یا کاردی)» توسط این تیره می‌باشد.

دوره‌ی پارینه سنگی جدید

گنجایش مغز انسان این دوره بیش از ۱۰۰۰ cc بوده که به انسان تیره‌ی «کرومانیون (کروماگنون)» معروف است. انسان در این دوره موفق به تهیه‌ی مسکن شد، در این دوره با بروز یخبندان و برودت هوا انسان کرومانیون برای حفظ و بقای خود از غارها به عنوان مسکن و منزل استفاده نمود. در نتیجه‌ی چنین عملکردی، هنر غارنشینی آغاز گردید. از معروف‌ترین غارهای این دوره آلتامیرا (اسپانیا)؛ لاسکو (فرانسه)؛ فرن دوگوم (فرانسه)؛ نیو (فرانسه)؛ مادلین (فرانسه)؛ کاستن (اسپانیا) می‌باشد.



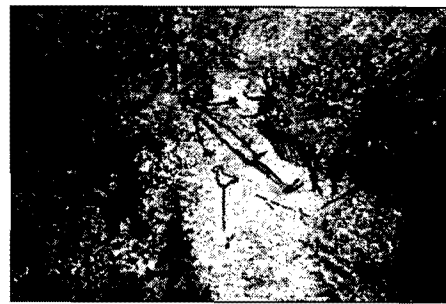
شکل ۱-۲ نقاشی داخل غار دو گاو وحشی، دوردونی فرانسه



شکل ۱-۱ گاو وحشی تیرخورده، غار آری بژ فرانسه



شکل ۱-۴ تالار گاوها، لاسکو دوردونی فرانسه



شکل ۱-۳ منظره‌ی چاه، گاو وحشی، انسان، کرگدن، لاسکو فرانسه

از کرومانیون‌ها در اعماق غارها آثار نقاشی برجای مانده و برای ترسیم نقوش از ابزارهای نوک تیز، سنگ چخماق و سنگ آهن استفاده می‌نمودند. موضوع این نقاشی‌ها غالباً حیوانات وحشی بوده و برای رسم این تصاویر از شیوه‌ی ناتورالیسم (طبیعت گرایی*) استفاده می‌شده است. نکته حایز

اهمیت، توجه نقاش به شکل و فرم بوده و هیچ گونه توجهی به ترکیب بندی و تناسب نداشته است.

علاوه بر بیان جریانات زندگی و کاربرد اسرار آمیز و طلسم گونه، علت اصلی ایجاد این

نقاشی‌ها استفاده از قدرت جادوی تصویر برای غلبه و احاطه بر طبیعت بوده است. آثار

نقاشی در غار آلتامیرا توسط اقوام «لاماگدالنی» و آثار نقاشی در غار لاسکو توسط

اقوام «اورینیاکی» ایجاد گردیده است. از اورینیاکی‌ها علاوه بر آثار نقاشی غارها،

تندیس‌ها و مجسمه‌ها برجای مانده که این صنمک‌ها یا تندیسک‌ها به «ونوس»

معروف‌اند. این تندیس‌های کوچک، نماد افزایش باروری می‌باشند، که مهم‌ترین آن

«ونوس ویلندروف» است. ونوس ویلندروف در دره‌ی رود دانوب در اطریش کشف

شد که قدمت آن ۱۵۰۰۰ سال ق.م بوده و قدیمی‌ترین اثر حجمی (پیکره) در دنیای کهن می‌باشد.



شکل ۱-۵ ونوس ویلندروف، ارتفاع پیکره ۱۵ cm

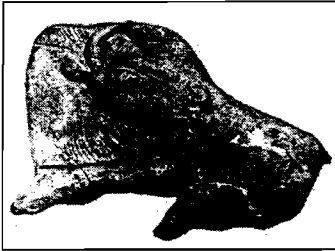
*ناتالیسم (واقع گرایی): بازتابی جهان عینی بدون احساس و خوشایندگری و تعبیر شخصی.

*ناتورالیسم (طبیعت گرایی): بازتابی جهان عینی با احساس و خوشایندگری و تعبیر شخصی با محوریت طبیعت.

۲- دوره‌ی میانه سنگی

از ابداعات این دوره می‌توان به خدمت گرفتن و کنترل آتش را اشاره نمود، که از آن برای گرم کردن فضاها استفاده می‌شده است. محصولات این فرایند که زغال، چربی و دوده بوده، برای ترسیم نقاشی‌ها یا رنگ آمیزی آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. این نقاشی‌ها که بخشی از آثار دوره‌ی میان سنگی

می‌باشند، به نقاشی‌های «پناهگاهی» معروف‌اند. ویژگی‌های این نقوش قراردادن در دهانه‌ی ورودی یا سردر غارها، محوریت انسان و فرار گرفتن حیوانات و سایر عناصر تصویری در حواشی، غنای زیباشناسی، قلم‌گیری روان و پرتحرک، سایه‌روشن کاری، حجم‌پردازی، رنگ‌پردازی و بعدنمایی می‌باشند.



شکل ۷-۱ گاو وحشی یا سر برگشته، لامادین فرانسه



شکل ۹-۱۰ رقص جادویی، بالرمو اسپانیا ۱۰۰۰۰ ق.م



شکل ۶-۱ اسب چینی، لاسکو فرانسه



شکل ۱۰-۱ جنگاوران راه‌پیمای (رقص مذهبی)، دره‌ی گاسولا اسپانیا



شکل ۸-۱ نقاشی تک‌فام، اسپانیا ۸۰۰۰ ق.م

از نقاشی‌های این دوره به عنوان طلسم، جادو و توتم استفاده می‌شد. با بررسی علل ایجاد این نقوش می‌توان به این نتیجه رسید که انسان این دوره دارای نوعی نگرش و جهان‌بینی بوده‌است، که در مباحث کلاسیک تحت عنوان «روح‌باور» از آن یاد می‌گردد، در واقع بدین معنا که جهان هستی و طبیعت دارای نیروهایی درونی هستند که برای دستیابی به این نیروها، باید از طلسم یا توتم استفاده نمود. مهم‌ترین ویژگی این دوره پیدایش و آغاز فرهنگ در نزد اقوام بشری می‌باشد. از نخستین فرهنگ‌های ایجاد شده در دنیای کهن، فرهنگ «ناتوفیان در فلسطین»؛ «ماس دازیل (آزیلی) در اروپای باختری»؛ «کاپسی در آفریقا»؛ «بردوستیان در غرب فلات ایران».

۳- دوره‌ی نوسنگی

در ادوار گذشته انسان جهان خویش را به صورت تصویر نمایاند، و با کاربرد نقش در صدد تسخیر و تسلط دنیای مادی برآمد، اما با تغییر در روند اقتصاد زندگی در دوره‌ی نوسنگی که گله‌داری و ابداع کشاورزی مهم‌ترین تحول آن می‌باشند، گامی عظیم در این دوره برداشت. از مهم‌ترین تحولات این دوره می‌توان به «رام کردن حیوانات (نخستین حیوان رام شده سگ) یا گله‌داری»؛ «آشنایی با کشاورزی»؛ «معماری (استحکامات و سازه)»، «سفالگری (مهم‌ترین هنر دوره‌ی نوسنگی)» اشاره نمود. به دلیل ابداع فنون متفاوت در این دوره، انسان این عصر به انسان «صنعت‌گر» معروف گردید. پس از ایجاد این تحولات انسان به یکجانشینی و سپس به شهرنشینی روی آورد.

فصل اول

بدوی (پریمیٹیو)

پایہ ریزی بی نشان

هنر بدوی (پریمی تیو)

در میان فرهنگ‌های خارج از جریان تاریخ غرب، فرهنگ آفریقا، بومیان آمریکا، اسکیمو و اقیانوسیه تحت عنوان «بدوی (پریمی تیو)» نام‌گذاری می‌شوند. در واقع هنر بدوی به بررسی آثار هنری سیاهپوستان آفریقا، سرخ پوستان آمریکا، اقیانوسیه و اسکیموها می‌پردازد.

به لحاظ لغوی بدوی به معنای دون، پست و سطح پایین است، ولی با بررسی کیفیت این هنر بیگانه می‌توان به اسلوب‌های هنری غنی وناب در آن پی برد. تحول ایجاد شده، ناشی از عناصر این هنر در غرب به انقلاب در هنر غرب معروف بوده به طوری که روند گرایش سبک‌های غربی در قرن ۱۹ و ۲۰ از این هنر الهام گرفته‌است. شکل‌گیری سبک‌هایی چون «کوبیسم»، «اکسپرسیونیسم»، «سوررئالیسم»، «تجرید (آبستره)» و تکنیک‌هایی چون کلاژ (تکه چسبانی) و «اسمبلاژ (جفت کاری)» بیانگر تأثیرپذیری هنر غرب از هنر بدوی است، حتی هنرمندانی چون «ولامینک»، «براک»، «پیکاسو» و «برانکوزی» تحت تأثیر مستقیم این هنر بوده‌اند.

نکته: ابتدایی‌ترین تغییرات هنر غرب ملهم از هنر آفریقا و اقیانوسیه بوده است.

اقوام مورد بحث در ارتباط مستقیم با طبیعت و زندگی می‌باشند و برای ارتباط با اساطیر و نیاکان خود و همچنین عالم وجود در مراسم‌های آیینی از



شکل ۱-۲ هنر آرتنک، خدای گل‌ها و رقص و بازی

دست‌ساخته‌های جادویی استفاده می‌نمایند، از این رو بیشترین حجم آثار هنری این اقوام، جنبه‌ی مذهبی دارد. در طی بررسی این مذهب می‌توان درک نمود، که با نگرش و ایدئولوژی روح باور* همخوانی و هماهنگی دارد. اقوام مذکور معتقدند که روح نیاکان و موجودات اساطیر باید وارد کالبد مادی شده تا توازن زندگی برقرار بماند، برای تحقق بخشیدن به این تفکر، مراسم آیینی اجرا می‌شود، برای اجرای این مراسم نیاز به ملزوماتی است، که به «دست ساخته‌های جادویی» موسوم هستند. این دست ساخته‌های جادویی آثار هنری اقوام بدوی بوده و از این حیث دارای اهمیت زیادی می‌باشند. این آثار هنری اقوام بدوی را می‌توان در سه شاخه‌ی تندیس، صورتک و نقاشی بررسی نمود.

نکته: در دیدگاه کلی هنر اقوام بدوی، تندیس‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

نکته: از ویژگی‌های آثار هنر بدوی «تجرید*»، «اغراق*»، «دوبعدنمایی»، «ساده‌گرایی» است.

هنر سیاهپوستان آفریقایی

محدوده‌ی استرا در آفریقا از مهم‌ترین مناطق، به لحاظ خلق آثار هنری و تجسمی است که به دلیل وسعت، به چندین منطقه تقسیم می‌شوند:

- ۱- سودان غربی مهم‌ترین اقوام در این منطقه «دوگون»، «بامبارا»، «آشانتی».
- ۲- سواحل گینه مهم‌ترین اقوام در این منطقه «بوگو»، «منده»، «بل»، «یوروبا».
- ۳- آفریقای مرکزی مهم‌ترین اقوام در این منطقه «ایگالا»، «مانگ بتو»، «فانگ (نمونه‌های کلاسیک هنر آفریقا از این منطقه به دست آمده‌است)».
- ۴- کنگو و آنگولا مهم‌ترین اقوام در این منطقه «باکوبا»، «بالوبا».

نکته: پربرترین منطقه از حیث خلق بیشترین حجم آثار هنری و تجسمی در آفریقا «کنگو» و «آنگولا» می‌باشد.

هنر آفریقا به لحاظ نوع موضوع به دو گروه تقسیم بندی می‌شود، آثار هنری با موضوعات عامیانه، روزمره، مصرفی یا اشرافی که به این هنر «هنر درباری» گفته می‌شود، از معروف‌ترین اقوام آفریقایی که هنر درباری دارند، «آیفه» و «بنین» می‌باشند. دوم آثار هنری با موضوعات مذهبی که به «هنر مفهومی» معروف است، اکثر اقوام نامبرده در آفریقا دارای هنر مفهومی می‌باشند، که بالغ بر ۹۵٪ آثار اقوام را این هنر تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین شاخه‌های هنر آفریقایی «تندیس‌ها» و «نقاشی‌ها (صخره نگاری‌ها)» می‌باشند. در ساخت تندیس‌ها عمده‌ترین مصالح چوب بوده که به همین دلیل آفریقایی‌ها در ساخت تندیس‌های چوبی شهرت جهانی دارند. برای ساخت تندیس‌ها در نزد اقوام آفریقایی از شیوه‌های «تجرید»، «اغراق آمیز» و «رئالیسم» استفاده می‌شده‌است.

تأکید روی سر در تندیس‌سازی بیانگر اعتقاد آفریقاییان است که سر را مرکز وجود و متشاء قدرت و شعور می‌دانند.

* هنر بدوی با دوره‌ی پیشاتاریخی به دلیل نوع نگرش به جهان مادی دارای اشتراک بوده، به طوری که این دو مقوله‌ی هنری در مباحث کلاسیک تحت عنوان کلی «هنر ابتدایی» بررسی می‌شود.
* تجرید استرلیز کردن یا بالودن موضوعات در صورتی که ارتباط موضوعی بین هویت جدید با دنیای مادی قطع گردد. این نوع بیان تجسمی دارای پیامی کلی و فراگیر (کلیت در بیان) می‌باشد.
* اغراق (مانند) شدیدتر نمایانند خصوصیت، مفهوم و موضوع برای تحریک احساسات مخالف.

این گونه اغراق در تندیس‌ها نشانگر تمایل هنرمندان آفریقایی به ساخت مجسمه‌های نمادین می‌باشد. اعتقادات سنتی و قبیله‌ای اقوام بدوی مهم‌ترین عامل در خلق آثار تجسمی و هنری در نزد این اقوام بوده است.



شکل ۴-۲ سردیس، قبیله‌ی نوک نیجریه



شکل ۳-۲ زن زانوزده، بالوبا کنگو



شکل ۲-۲ صورتک کلاه‌خودی، باکوبا

نقاشی‌ها به دلیل اجراء بر روی صخره‌ها به «صخره‌نگاری» نیز معروف است. صخره‌نگاری‌ها قدیمی‌ترین آثار هنری آفریقاییان هستند، مناطقی سرشار از نقاشی‌های صخره‌ای در آفریقا شناسایی شده، که قدمت آن‌ها به دوره‌ی نوسنگی مربوط می‌گردد. این نقاشی‌ها از اجزاء مراسم آیینی هستند و به گونه‌ای در فضا سازی مراسم نقش دارند. مراسم معمولاً در جلوی صخره‌ها و تخته سنگ‌ها انجام می‌شود و این نقاشی‌ها نشانگر فضای جهان ارواح و نیاکان هستند و برای بیان از یک سری اشکال تمثیلی و نمادین منطبق با فرهنگ آفریقایی در آن‌ها استفاده می‌گردد.



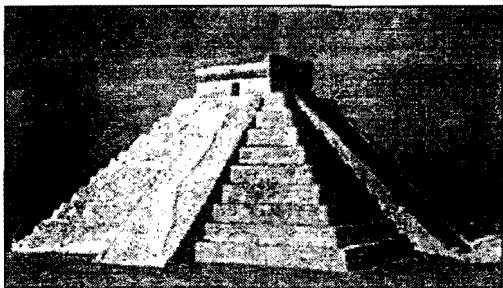
شکل ۵-۲ رفاصه، صخره‌نگاری آفریقا

هنر سرخ‌پوستان آمریکا

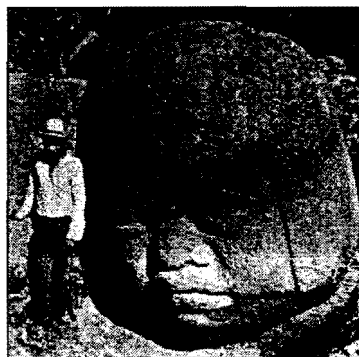
هنر اقوام بومی آمریکا از دو دیدگاه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد ۱- از لحاظ منطقه (امریکای شمالی، امریکای جنوبی) ۲- از لحاظ زمانی (پیش از تاریخ/پیشا کلومبی)، تاریخی).

معروف‌ترین اقوام امریکای شمالی «پوئبلو»، «ناواهو»، «آپاچی»، «آدنا»، «هاپ‌ول»، «اولمک»، «تنوتی هواکان»، «آزتک»، «مایا». معروف‌ترین اقوام امریکای جنوبی «نازکا»، «موچیکا»، «تیاخواناکو»، «اینکا».

از قدیمی‌ترین تمدن‌های شناخته شده در مناطق امریکا تمدن اولمک و مایا می‌باشد، اقوام اولمک نخستین اقوامی هستند که، آثار هنری آنان با اصول و خصوصیات هنر پیشاکلومبی خلق شده است (فرهنگ مادر). پیکرتراشی مستقل با حجم‌های ساده و متقارن، در ابعاد عظیم نشانگر توانایی این اقوام در کاربرد مواد سخت در مجسمه‌سازی است. اقوام مایا با اشراف بر دانش نجوم و اخترشناسی، شیوه‌ای برای ثبت ایام (تقویم) و نام‌گذاری خدایان داشته‌اند. به دلیل اهمیت خدایان و ساخت معابد سنگی هرم‌گونه برای خدایان ارتباطی تنگاتنگ میان هنرها از جمله مجسمه‌سازی و نقاشی با معماری دیده می‌شود. از نمونه‌های معماری اقوام مایا معبد «ال کاستیلو» در یوکاتان مکزیک می‌باشد.



شکل ۷-۲ هرم ال کاستیلو، مایا یوکاتان مکزیک



شکل ۶-۲ سردیس عظیم‌الجثه، اولمک
سنگ بازالت ارتفاع ۲۴۰ cm

معماری اینکاه‌ها به دلیل نوع اسلوب به معماری خشک (بدون ملات) موسوم است، اینکاه‌ها از تمدن‌های منطقه‌ی پرو می‌باشند. از نمونه‌های معماری اینکاه‌ها معبد خورشید در کوزکو پرو می‌باشد.



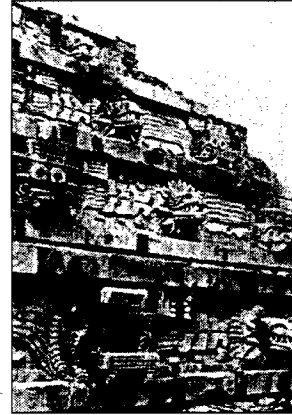
شکل ۸-۲ معبد خورشید در کوزکو پرو امروز پایه‌ی مذبح کلیسای سانتادومینگو



شکل ۱۱-۲ ظرف گردن رگایی، نازکا سفال و سرامیک



شکل ۱۰-۲ بطری چهاردار، مریچکا سفال و سرامیک



شکل ۹-۲ معبد کتزال کوائل (قهرمان اساطیری آمریکا) تنوتی هواکان، مکزیک

آثار حکاکی و نقاشی روی صخره در میان اقوام سرخ‌پوست اولیه اهمیت دارد. کاربرد این گونه آثار در مراسم‌ها و اعمال مذهبی بوده و در مواردی نقش‌ها بر روی نقش‌های قدیمی تر اجراء شده که دلالت بر تکرار مراسم در همان مکان دارد. ورود اروپاییان به قاره‌ی آمریکا تأثیر تعیین کننده‌ای در بررسی هنر سرخ‌پوستان دارد. از این رو هنر این اقوام را می‌توان به دوره‌ی «پیش از تاریخی (پیشاکلومی)» و «دوره‌ی تاریخی» تقسیم بندی نمود. از دوره‌ی پیش از تاریخ آثار زیادی بر جای نمانده و تنها آثار باقی مانده از این دوره صخره‌نگاری‌ها می‌باشند، که قدیمی‌ترین آثار هنری سرخ‌پوستان به شمار می‌روند.



شکل ۱۳-۲ صخره‌نگاری غاری قوم چوما، کالیفرنیا

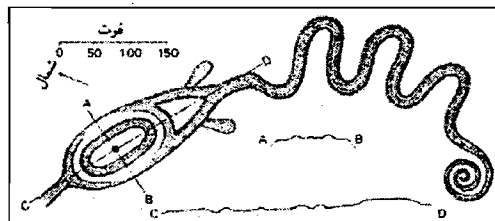


شکل ۱۲-۲ کنده کاری بر صخره‌ی ماسه‌سنگی شوشون‌های باستانی آمریکا

دوره‌ی تاریخی مهم‌ترین دوره‌ی هنری سرخ‌پوستان به شمار رفته، که قدمتی حدود ۲۰۰۰ سال دارد. آثار هنری سرخ‌پوستان در این دوره «تندیس‌ها»، «صورتک‌ها» و «نقاشی‌ها» می‌باشند. علاوه بر آثار یاد شده، نمونه‌هایی از معماری نیز از این اقوام بر جای مانده‌است.

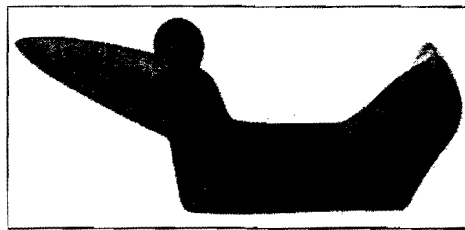


شکل ۱۵-۲ کاخ صخره‌ای، کولورادو



شکل ۱۴-۲ تپه‌ی مار ساخته شده توسط اقوام ماقبل تاریخ سرخ‌پوستان آمریکا در اوهایو بنای طبیعی با اهداف مذهبی برای تدفین مردگان به طول ۴۰۰ m

سرخپوستان اولیه با مهارت از سنگ، وسایل مصرفی و ملزوماتی که در اعمال مذهبی نیاز دارند، را می‌ساختند. اما در دوره‌ی تاریخی در تندیس‌سازی از مصالح گوناگون استفاده می‌نمودند، کاربرد شیوه‌های تجرید و رئالیسم در تندیس‌سازی این اقوام به کرات دیده شده‌است.



شکل ۱۷-۲ سنگ‌پرنده، فرهنگ هاپ‌ول، سنگ طول ۱۶/۵ cm

شکل ۱۶-۲ سنگ کولیمبا، ۲۵۰ م، سرامیک کالیفرنیا کاربرد شیوه‌ی تجرید (انتزاعی) در ساخت اشیاء نمادین شکل ۱۸-۲ سرچق، فرهنگ آدنا، سنگ ارتفاع ۲۰ cm کاربرد شیوه‌ی رئالیستی در ساخت اشیاء نمادین

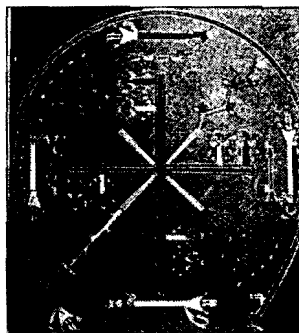
صورتک‌ها مهم‌ترین شاخه‌ی هنری قبایل سرخ‌پوست آمریکا بوده، که در ساخت آن‌ها از شیوه‌ی مبالغه و اغراق استفاده می‌شده و از جنس چوب و سنگ بوده‌اند. صورتک‌ها نماد ارواح و نیاکان هستند و در واقع بسان طلسم و توتم به شمار می‌روند، که فقط مورد استفاده‌ی جادوگر قبیله بوده‌است.



شکل ۲۰-۲ صورتک کواکیتل، کاربرد مبالغه و اغراق در صورتک‌سازی اقوام سرخ‌پوست آمریکا

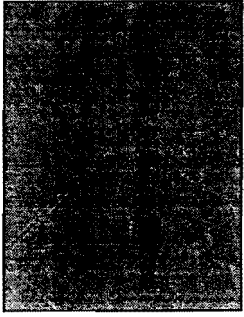
شکل ۱۹-۲ صورتک چهره‌ی دروغین، قبیله‌ی ایروکوای، چوب، کاربرد در مداوای بیماری‌های جسمی و روحی و پاکسازی اجتماع از آلودگی‌های ویرانگر

نقاشی‌ها عموماً به دو صورت دیده می‌شدند؛ صخره‌نگاری یا نقاشی‌های دائمی که بسیاری از این نقاشی‌ها در مکان‌های مقدس و برای اجراء مراسم‌های دینی استفاده می‌شده‌است. نقاشی‌های شنی (ماندالا) موقتی بوده و کاربرد آن در موارد «شفای بیماران»، «تضمین موفقیت در شکار»، «افزایش باروری انسان» و «افزایش باروری طبیعت» می‌باشد. این نقاشی‌ها از گرد سنگ و خاک نرم با رنگ‌های متنوع بر روی بستر صافی از شن با طرح‌ها و انگاره‌های ثابت و شدیداً مقید به اصول سنتی ایجاد می‌شدند. مهم‌ترین قوم در ایجاد نقاشی‌های شنی اقوام «ناواهو» در آریزونا می‌باشند. از این قبیله نوعی پتو از جنس پشم بز بر جای مانده که نقوش آن‌ها برگرفته‌شده از نقاشی‌های شنی است.



شکل ۲۲-۲ اجراء نقاشی شنی برای شفاء کودک بیمار، ناواهو آریزونا

شکل ۲۱-۲ نقاشی شنی (ماندالا)، هنر سرخ‌پوستان آمریکا



از اقوام تمدن نازکا در لیمای پرو نقش‌هایی خطی از اشکال اغراق‌آمیز حیوانات به صورت شیارهایی در صحرای ایجاد گردیده‌است. این نقوش را «دکتر پل کوزووک» کشف کرد و توسط «دکتر ماریا ریچ» مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌است.

شکل ۲۳- نقوش صور فلکی، نازکا، ۶۰۰ م

هنر اقوام اقیانوسیه

سه میلیون جزیره‌ی اطراف استرالیا به دلیل نازل بودن آثار هنری زیر مجموعه‌ای از هنر بدوی می‌باشد و از لحاظ فرهنگی به سه رده تقسیم می‌شود؛
 ۱- پولنزی از مهم‌ترین جزایر استقرار این فرهنگ، جزیره‌ی «ایستر»، «هاوایی»، «زلند نو» می‌باشد. اقتصاد اقوام پولنزی از طریق دریانوردی و صید ماهی است، که از مهم‌ترین آثار و شاخه‌های هنری آن می‌توان به «کنده‌کاری روی چوب و صدف»، «نوعی لباس دریانوردی موسوم به تاپا»، «بیکره‌های غول‌آسا» و «خالکوبی» اشاره نمود.



شکل ۲۶- خداوند جنگ
هاوایی، ارتفاع ۲۷ م



شکل ۲۵- خالکوبی، هنر پولنزی، جزایر مارکیز



شکل ۲۴- بیکره‌های عظیم‌الجثه، جزیره‌ی ایستر ارتفاع ۱۰ م

۲- ملانزی از مهم‌ترین جزایر استقرار این فرهنگ، جزیره‌ی «سلیمان»، «گینه نو»، «ایرلند نو» می‌باشد. اقوام ملانزی از حیث خلق و خو بسیار خشن بوده، حتی در بعضی از قبیله‌های این فرهنگ مراسم گردن‌زنی و آدم‌خواری دشمنان دیده می‌شود، اقوام این فرهنگ دارای تفکری مبنی بر دیوگری می‌باشند، تمایلی اقوام ملانزی به رنگ و درام هنری در تمام آثار هنری مشهود است، از مهم‌ترین آثار و شاخه‌های هنری آن‌ها می‌توان به «ساخت سلاح‌های جنگی»، «صورتک‌سازی با جمجمه»، «تیرک‌های چوبی یا دکل‌های اجدادی که بیانگر نوعی عشیره‌نامه و یا شجره‌نامه است» اشاره نمود.



شکل ۲۹- صورتک، قبیله‌ی ایانمول، جمجمه‌ی انسان



شکل ۲۸- خانه‌ی مردان، آبلام



شکل ۲۷- دکل‌های اجدادی، خلیج پاپوا
چوب، پوست درخت، رنگ‌های سفید و قرمز